

doi 10.30497/RC.2022.76519

Bi-quarterly Scientific Journal of "Religion & Communication", Research Article
Vol. 29, No. 2, (Serial 62), Autumn & Winter 2022

Sociological Investigation of Social Renovation Effect on Women Tendency to Have One -Child (Case Study: Married Women of Age 15-49 in Tehran City)

Esmat Heydari*
Bagher Saroukhani**
Afsaneh Edrisi***

Received: 20/06/2021
Accepted: 03/11/2021

Abstract

One-child phenomenon is a social issue which has become a model of life for many families. The main aim of this investigation is finding the answer to this fundamental question that how and to what extent the modern society characteristics (such as women's employment, gender socialization, individualism, rational choice, etc.) in the metropolis of Tehran is associated with women in Tehran for the orientation and acceptance of the pattern of voluntary one-child. The present study is descriptive-causal and methodologically a survey research. The statistical population in this investigation includes all the married women in productive age between 15-49 years in Tehran that 420 people were selected as samples. Sampling was done with the combination of disproportionate stratified sampling and cluster sampling and the tool used to collect information and data in this research is the researcher-made questionnaire. The results show that the orientation to one-child has the significant correlation with the individualism, rational choice, social participation; gender socialization and marriage age but there is no significant correlation with family economic status. The results also indicate that the orientation to one-child has the significant difference between different groups of employment status; in other words, in high-ranking jobs, this orientation is more. The data show that the level of education has an effect on women's orientation to have one-child; in other words, as the level of education increases, the orientation of women to have one-child increases.

Keywords: Orientation to have One-Child, Individualism, Rational Choice, Social Participation, Gender Socialization, Marriage Age, Employment Status.

*. PhD student in Sociology, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

** Professor, University of Tehran, Visiting Professor, Islamic Azad University, Department of Sociology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

***. Associate Professor, Islamic Azad University, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر نوسازی اجتماعی بر گرایش زنان به تک‌فرزندی مطالعه موردی زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تهران

عصمت حیدری*

باقر ساروخانی**

افسانه ادریسی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

چکیده

پدیده تک‌فرزندی از جمله مسائل اجتماعی است که الگوی بسیاری از خانواده‌ها شده است. هدف از این پژوهش، پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که ویژگی‌های جامعه مدرن (اشتغال زنان، جامعه‌پذیری جنسیتی، فردگرایی، میزان عقلانیت، مشارکت و غیره) در کلان‌شهر تهران به چه نحو و به چه میزان با گرایش و پذیرش الگوی تک‌فرزندی ارادی در بین زنان ارتباط دارد؟ پژوهش حاضر از نوع توصیفی - علی و از نظر روش‌شناسی، پیمایشی است. جامعه آماری کلیه زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تهران است که ۴۲۰ نفر به‌عنوان نمونه از بین آن‌ها انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد گرایش به تک‌فرزندی با فردگرایی، میزان عقلانیت، مشارکت اجتماعی، برابری جنسیتی و سن ازدواج رابطه معناداری دارد ولی با وضعیت اقتصادی خانواده همبستگی معناداری ندارد. همچنین میزان گرایش به تک‌فرزندی در بین گروه‌های مختلف از نظر وضعیت اشتغال، تفاوت معناداری دارد و در مشاغل رده‌بالا این گرایش بیشتر است. داده‌ها حاکی از آن است که میزان تحصیلات در گرایش زنان به تک‌فرزندی تأثیر دارد و با بالا رفتن سطح تحصیلات، گرایش زنان به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: گرایش به تک‌فرزندی، فردگرایی، میزان عقلانیت، مشارکت اجتماعی، جامعه‌پذیری جنسیتی، سن ازدواج، وضعیت اشتغال.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران‌شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
esmatheydari43@yahoo.com

** استاد تمام دانشگاه تهران، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) b.saroukhani@yahoo.com

*** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
edridiafsaneh@yahoo.com

مقدمه

کاهش نرخ باروری در ایران طی سی سال گذشته معادل هفتاد درصد و یکی از آمارهای سریع و چشمگیر کاهش باروری در تاریخ بشر بوده است. به گفته کارشناسان، براساس آمارها هم‌اکنون ۱۴/۴ درصد خانواده‌های ایرانی بدون فرزند هستند و ۱۸/۹ درصد نیز تنها یک فرزند دارند. همچنین نرخ باروری در ایران در سال ۱۳۹۵ با اندکی بهبود نسبت به سال پیش از آن که ۱/۸ بوده به ۱/۹ رسیده است (فطرس و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱۲). ایران در چند دهه گذشته تغییرات مختلف ارزشی و نگرشی را در زمینه مسائل باروری، ازدواج و خانواده تجربه کرده است. نسل جدید، فرزند را محل آسایش، گران‌قیمت و پرهزینه می‌داند و با توجه به اینکه والدین دیگر تحقق خواسته‌های خود را در فرزندان نمی‌یابند، تمایلی برای فرزندآوری بیشتر ندارند. پس از گذشت سال‌ها، گرایش افراد به دوفرنزندی شکل گرفت و با تغییرات عدیده صورت گرفته در سطح زندگی، در حال حاضر شاهد گسترش پدیده تک‌فرزندگی هستیم. گرایش به داشتن فرزند کمتر نشانه آن است که زنان به کشف‌های جدیدی دست یافته‌اند از جمله آنکه از محیط کوچک خانه بیرون آمده‌اند، تحصیل می‌کنند، در مناسبات اجتماعی شرکت می‌کنند، در همه عرصه‌ها فعال هستند و البته قصد دارند برای فرزندان کمتر خود مادران بهتری باشند. در واقع زنان امروز هویت خود را در جاهای دیگری جز در خانه و مادر شدن جست‌وجو می‌کنند. در میان زنان، نوعی تغییر نگرش نسبت به ازدواج و نقش‌های همسری و مادری و حتی کار خانگی به وجود آمده است که به نوعی تحقیر این نقش‌ها را به دنبال داشته است (حسینی و بگی، ۱۳۹۳: ۳۶).

باروری و فرزندآوری از مقوله‌های مهم حوزه جمعیت‌شناسی و تحت تأثیر عوامل متعدد جمعیتی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. خانواده‌ها با توجه به ارزشی که برای کودکان به‌عنوان بهبوددهنده و تقویت‌کننده شبکه‌های اجتماعی والدین قائلند، به فرزندآوری اقدام می‌کنند. در دهه‌های اخیر، با گسترش فرایندهای مدرنیته، بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله نگرش خانواده‌های ایرانی در مورد فرزندآوری تغییر کرده است (قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۴). کاهش سطح زادوولد و باروری سبب انتقال از خانواده گسترده به هسته‌ای شده است و تمایل به فرزندآوری در والدین کاهش یافته

است. این کاهش مداوم موالید منجر به افزایش خانواده‌های تک‌فرزند شده و علاقه والدین به تک‌فرزندی در حال عمومیت یافتن است (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۲). با بررسی تأثیر نوسازی اجتماعی بر گرایش زنان تهرانی به تک‌فرزندی ارادی می‌توان به عوامل زمینه‌ساز این سبک زندگی پی برد و راهکارهای مناسبی را برای بهبود و اصلاح آن ارائه داد؛ چراکه جامعه نیاز به جمعیت فعال و پویایی دارد که نشاط و سلامت جامعه را تأمین کند و اتخاذ هرگونه برنامه و سیاستی در حوزه جمعیت و آسیب‌های جمعیتی بدون شناسایی عوامل پذیرش تک‌فرزندی در جامعه، بی‌ثمر و اجرائشده است. به منظور گزینش تدابیر درست و حفظ ارزش‌ها و سلامت خانواده باید بنیان خانواده در چهارچوب مفاهیم اصلی خانواده مانند مادری، پدری، فرزندی، خواهری، برادری و عناصر خویشاوندی بازتعریف شود تا از آسیب‌ها و انحراف‌های بعدی جلوگیری شود؛ ازاین‌رو هدف از پژوهش حاضر شناسایی تأثیر نوسازی اجتماعی بر گرایش زنان به تک‌فرزندی است.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. نوسازی

نوگرایی در پی جایگزینی مدرن به جای کهنه و برتر جلوه‌دادن مدرن است. به باور ماکس وبر، جامعه مدرن با تحول از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های مدرن شکل می‌گیرد و با گسترش عقلانیت و نهادینه‌شدن آن، کنش‌های عقلانی در تمام حوزه‌های جامعه بروز می‌یابد. از این دیدگاه، جوامع در مسیر حرکت به نوگرایی، انتقال جمعیتی را تجربه می‌کنند؛ بنابراین هرچه درجه توسعه‌یافتگی جامعه‌ای بالاتر باشد، انتظار می‌رود میزان باروری آن پایین‌تر باشد (عباسی شوازی، ۱۳۸۳: ۱۱). براساس دیدگاه نوسازی، میزان باروری هر خانوار و جامعه، مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین یا ساکنان آن جامعه است و خانواده با توجه به پیشرفت و ترقی حاصل‌شده در جامعه و موقعیتی که به‌عنوان یک عضو داراست، به فرزندآوری می‌اندیشد. اکنون اگر آوردن فرزند سبب حرکت صعودی خانواده شود، آن را ادامه داده و اگر مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی شود، آن را به راه‌های مختلف کنترل می‌کند (قائد رحمتی و حسینی، ۱۳۹۱: ۳۲۳).

گذار جمعیت‌شناختی، نوسازی رفتار تولیدمثل در جمعیت‌های انسانی است که طی دو مرحله کاهش مرگ‌ومیر و سپس کنترل باروری صورت می‌گیرد. براساس این نظریه، جوامع فرایند نوسازی را از یک رژیم پیشامدرن مرگ‌ومیر و باروری بالا به سمت رژیم پسامدرنی که در آن هر دو پایین هستند، تجربه می‌کنند. کاهش باروری نوعی تطابق عقلانی با تغییرات در شرایط اقتصادی است. کاهش باروری هنگامی رخ می‌دهد که فرایندی از نوسازی در اثر صنعتی‌شدن، شهرنشینی، تحصیلات، آزادی زنان و توسعه اقتصادی - اجتماعی آغاز می‌شود. در رویکرد نوسازی استدلال می‌شود عوامل فرهنگی و نه ساختاری نحوه نگرش افراد را به فرزندان و فرزندآوری تغییر می‌دهند. طرفداران این دیدگاه معتقدند کاهش باروری ناشی از اشاعه ایده‌های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری است. نظریه اشاعه به تبیین چگونگی گسترش مفهوم تنظیم خانواده و کنترل مولید در جهان می‌پردازد. در کشورهایی که باروری در آن‌ها کاهش یافته است، اعمالی که به محدودیت باروری می‌انجامد، ابتدا توسط گروه‌هایی از جمعیت که موفق‌تر، ثروتمندتر و تحصیل‌کرده‌تر هستند، اقتباس می‌شود و سپس به گروه‌های میانی با منزلت پایین‌تر و مناطق روستایی گسترش می‌یابد (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴: ۱۹).

جریان نوسازی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار و شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خانوادگی کرد. گسترش و همگانی شدن تحصیلات یکی از رهاوردهای مهم نوسازی است، نوسازی از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیت‌های بیرون از خانه، موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبودیافته زنان به‌ویژه مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است. به نظر طرفداران این دیدگاه، رشد فناوری که ناشی از افزایش روند صنعتی‌شدن است، سبب تغییرات ساختاری اقتصاد می‌شود. اقتصاد جدید به ایجاد صنایع خدماتی و رشد مشاغل طبقه متوسط می‌انجامد که اشتغال زنان از ویژگی‌های آن است. افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان با کاهش تمایل آن‌ها به فرزندآوری همراه می‌شود. وقتی زن کار می‌کند، نقش او به‌عنوان کارمند با نقش او به‌عنوان مادر تضاد پیدا می‌کند و کم‌تر بودن تعداد فرزندان، از فشاری که این تضاد به

وجود می‌آورد، می‌کاهد. اغلب تحقیقات نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین کار خارج از خانه و فرزندان کمتر است. کاهش تعداد مولید راه‌حلی برای کاهش تضاد موجود بین نقش اقتصادی و نقش خانوادگی به حساب آمده است (مشفق و همکاران، ۱۳۹۵: ۵).

در فرایند نوسازی، خانواده‌محوری جای خود را به فردمحوری می‌دهد و هم‌زمان سازمان‌ها و نهادهای نوین، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را بر عهده می‌گیرند؛ بنابراین مطابق با تغییر کارکرد خانواده، شبکه اجتماعی جدید جایگزین شبکه خویشاوندی می‌شود و در نتیجه خانواده به یک واحد هسته‌ای استوار بر فردگرایی تبدیل می‌شود؛ بدین معنا که تصمیمات فردی زوجین جایگزین تصمیمات فامیل درباره باروری می‌شود؛ بنابراین نوسازی از این طریق سبب افزایش سن ازدواج و کاهش باروری می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۱). اینکلس و اسمیت معتقدند افراد نوگرا به دلیل ویژگی‌هایی مانند عمل‌گرایی، پذیرش تجربه‌های جدید، پیشرفت‌گرایی، نگرش‌های مدنی و جهانی، تساوی‌طلبی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و غیره تحت تأثیر اندیشه‌های جدید و منفعت‌طلبانه‌ای هستند که می‌تواند بر نگرش افراد نسبت به تنظیم خانواده و بهداشت باروری مؤثر باشد (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۴؛ به نقل از وحیدیان، ۱۳۹۵: ۳۵).

دگرگونی نقش‌های جنسیتی یکی دیگر از تحولات مهم است. زنان امروزی دیگر به اندازه گذشته براساس زندگی خانوادگی و خدمت‌رسانی به مردان تعریف نمی‌شوند؛ هرچند هنوز هم مسئولیت بیشتری نسبت به مردان برای انجام وظایف خانوادگی دارند و هنوز هم بسیار کمتر به وسیله موقعیتی پایدار در بازار کار محافظت می‌شوند. با وجود آنکه برابری کامل بین زن و مرد رخ نداده است، تقسیم‌بندی سنتی پیرامون دو جنس که در آن مرد نان‌آور خانه و زن به کار در خانه مشغول بود، تغییر کرده است؛ هرچند میزان و نحوه این تغییرات در جوامع مدرن غربی و جوامع درحال توسعه متفاوت است. فردی‌شدن، قلمرو تازه‌ای را برای کنش و تصمیم‌گیری و فرصت‌های نوینی را پیش روی زنان باز می‌کند. تا اندازه زیادی زنان دیگر به نقش‌های انتسابی چون مادری و همسری محدود نیستند و می‌توانند با شایستگی و تلاش، زندگی خود را شکل دهند (هیر، ۱۳۸۰: ۱۱۵-۱۱۴).

زوجین همواره خود را پیرامون آمادگی یا عدم آمادگی برای داشتن فرزند مورد ارزیابی قرار می‌دهند. «اگر شخصیت فرزند من بستگی به چگونگی مراقبت خوب من از او دارد،

آیا من از نظر احساسی به اندازه کافی بالغ هستم که رفتار درستی با او داشته باشم؟». این پرسش جدیدی از وجدان است که به‌طور گسترده‌ای در میان زنان و مردانی یافت می‌شود که از تفکر روانی کنونی خود آگاه هستند. آیا من به خواسته‌های شخصی از فرزندپروری آگاهم؟ آیا به‌درستی کفایت لازم را برای رفع نیازهای کودک که منجر به پیشرفت او می‌شود، دارم؟ اگر پاسخ منفی باشد، در چنین شرایطی داشتن فرزند به دلایل مختلف به تأخیر می‌افتد. تمایل و عشق والدین برای داشتن فرزند با انبوهی از تناقض‌ها همراه است. تصمیم به داشتن یا نداشتن بچه تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل، لذت‌ها و محرومیت‌های زندگی شخصی تا تعهدات و دلخوشی‌های پدر و مادر شدن است. همیشه برخی استدلال‌ها بر له و برخی دیگر علیه هر تصمیم وجود دارد. تحقیقات این موضوع را تأیید می‌کند که در سنجیدن جوانب مثبت و منفی هر تصمیمی، انواع مختلفی از نامنی، تردیدها و تناقض‌های آشکار وجود دارد. در پاسخ به این تناقض‌ها و تحت تأثیر اصول مدرنیته متأخر، خانواده‌های کمی با تعداد زیادی از فرزندان وجود دارند و مابقی ترجیح می‌دهند یا فرزندی نداشته باشند یا به حداقل اکتفا می‌کنند. تا زمانی که مراقبت از کودک صرفاً وظیفه زنان است، تا زمانی که تنش بین آرزوی داشتن فرزند و داشتن زندگی برای خود رفع شود، و تا زمانی که اقدامات سیاسی حوزه‌های مختلف ناقص باقی بماند یا حتی وجود نداشته باشد، انتظار اندکی برای افزایش قابل‌ملاحظه زادوولد وجود خواهد داشت. باوجود این عشق به فرزند و انگیزه‌های بالا برای داشتن آن از بین نرفته است و این گرایش عمومی ثابت باقی خواهد ماند (بک و بک، ۲۰۰۲؛ به نقل از حمیدی فر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۰۹).

جدول شماره (۱). تگاهی اجمالی به نظریه‌های مربوط به نوسازی اجتماعی

<p>وقتی جامعه‌ای صنعتی می‌شود، در این مسیر نمی‌تواند از تحولات ارزشی و فرهنگی در امان بماند. دگرگونی‌هایی مانند تحول خانواده، کاهش زادوولد، تضعیف ارزش‌های مذهبی و کم‌اهمیت‌شدن ارزش‌های سنتی بیانگر این تغییرات هستند (حقیقتیان و دارابی، ۱۳۹۴: ۶۶).</p>	<p>اینگلهارت</p>
<p>شاخص‌های خانواده‌های امروزی در حال دگرگونی است. این دگرگونی‌ها در کشورهای غربی و صنعتی بسیار پیشروی کرده‌اند و به‌مرور در حال جهانی شدن هستند. این جهانی شدن تا اندازه زیادی اجتناب‌ناپذیر و مثبت است، اما در روی دیگر سکه با خود، مشکلات زیادی به همراه می‌آورد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۵).</p>	<p>گیدنز</p>

<p>براساس نظریه همگرایی در مورد خانواده، دگرگونی‌های نظام خویشاوندی نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری و ایدئولوژیکی است؛ بدین ترتیب که همراه با دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان، دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز رخ می‌دهد و در نتیجه سازمان‌های سطوح خرد مانند خانواده به‌اجبار خود را با دگرگونی‌های سطح کلان انطباق می‌دهند (گود، ۱۳۵۲).</p>	<p>ویلیام گود</p>
<p>موقعیت اجتماعی و استقلال زنان احتمالاً عامل مداخله‌گر مهمی بین نوسازی و باروری است. با افزایش درآمد زنان، میزان باروری کاهش می‌یابد یا به عبارت دیگر به علت افزایش هزینه نگهداری از فرزند، تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. مدرنیزاسیون نیز مشکلات و تناقض‌های نهادهای مدرن را چندبرابر کرده و تداوم آن‌ها را تهدید می‌کند. براساس این نظریه، اگر دریافت افراد از آینده نامطمئن باشد، ممکن است به خاطر اجتناب از خطر، تصمیم به کاهش باروری بگیرند (علی‌زاده سیوکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶).</p>	<p>اولریش بک</p>
<p>نوسازی نوعی فرایند اجتماعی - روانی است که طی آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید مدرن را کسب می‌کنند. به نظر اینکلس، ویژگی برجسته انسان دو جنبه دارد یکی درونی است که به نظرها، ارزش‌ها و احساسات او اشاره دارد و دیگری به محیط وی برمی‌گردد (ازکیا، ۱۳۸۸: ۲۱۲).</p>	<p>اینکلس و اسمیت</p>
<p>دستیابی به برابری جنسیتی عامل اصلی کاهش مولید است. بر این اساس، تغییر نگاه به وضعیت زنان در جامعه چه از سوی مردان و چه از سوی زنان، شاید یکی از اساسی‌ترین محورهای کاهش مولید باشد، زیرا با ورود زنان به عرصه اجتماعی، جایگاه‌شان در جامعه تغییر می‌کند. زنان ترجیح می‌دهند به موقعیتی مساوی با مردان از جمله تحصیلات و اشتغال دست یابند و ازدواج و مادرشدن را به جهت ازدست‌ندادن موقعیت اجتماعی خویش به تأخیر انداخته یا به تک‌فرزندی اکتفا می‌کنند (خلج‌آبادی و سرایی، ۱۳۹۱: ۴۳).</p>	<p>مک‌دونالد</p>

۲. چهارچوب نظری

چهارچوب این نظریه مبتنی بر نظریه نوسازی اینکلس و اسمیت است که براساس آن، نوسازی فرایندی اجتماعی - روانی است که طی آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید مدرن را کسب می‌کنند. نوسازی نوعی شیوه زندگی و فکری به وجود می‌آورد که سرنوشت‌گرایی و خانواده‌گرایی را تضعیف کرده و آینده‌نگری و رسیدن به زندگی مرفه‌تر را در انسان تقویت می‌کند. نوگرایی به‌عنوان یک عامل بازدارنده، موجب کاهش

فرزندآوری است؛ بنابراین هرچه میزان نوگرایی والدین افزایش یابد، احتمال داشتن فرزند کمتر، بالاتر می‌رود. در جریان نوسازی میزان استفاده از فناوری، سطح تحصیلات زنان، حضور و مشارکت در جامعه و فعالیت مدنی، اجتماعی و اقتصادی افزایش می‌یابد و موقعیت زنان بهبود یافته و با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش فرصت‌های شغلی زنان، و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، میزان باروری کاهش می‌یابد. نوسازی از طریق تغییر ساختار خانواده که در نتیجه صنعتی شدن، شهرنشینی و تحصیلات، دسترسی به رسانه‌ها و امکانات مدرنیزه و غیره رخ داده است، موجب کاهش باروری زوجین می‌شود. اینکلس و اسمیت معتقدند افراد نوگرا به دلیل ویژگی‌هایی مانند عمل‌گرایی، پذیرش تجربه‌های جدید، پیشرفت‌گرایی، نگرش‌های مدنی و جهانی، تساوی‌طلبی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و غیره تحت تأثیر اندیشه جدید و منفعت‌طلبانه هستند که می‌تواند بر نگرش افراد نسبت به میزان باروری مؤثر باشد.

یکی دیگر از ویژگی‌های مدرنیته، عقلانیت است که در نظریه فیشبین و اجزن به آن اشاره شده است. براساس این نظریه، افراد در چهارچوب باورهایشان از بین راه‌های مختلف راهی که بیشترین نفع و کمترین زحمت را داشته باشد، برمی‌گزینند (لیتل، ۱۳۸۱: ۷۰).

طبق نظریه انتخاب عقلانی، منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان اثر می‌گذارد. از این منظر، ایجاد نوعی تعادل بین رضایتمندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند، زیربنای اصلی تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان است. چنانچه هزینه‌های اقتصادی فرزندان بیشتر از منافع آن باشد، زوجین به فرزند کمتر می‌اندیشند (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷).

در جامعه فعلی که ارزش‌های آن اعضای جامعه را به سمت کنش‌های عقلانی معطوف به هدف فردی پیش می‌برد، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار افراد منفعت است. در جامعه جدید، پدیده باروری به کنشی یک‌طرفه مبدل شده است که در آن فرزندان، کارکردهای پیشین خود را از دست داده‌اند. اگر در گذشته انتظار می‌رفت، فرزندان خدماتی مانند دستگیری از والدین انجام دهند، امروزه بنا بر مقتضیات زمان و مکان نمی‌توان انتظار داشت فرزندان عصای دست روزگار پیری باشند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۷).

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی پیرامون گرایش به تک‌فرزندی انجام شده است که خلاصه برخی از آن‌ها در جدول ذیل آمده است:

جدول شماره (۲). خلاصه پیشینه‌ها

ردیف	نویسنده	عنوان	نتیجه
۱	فروتن (۱۳۹۹)	تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در ایران	تک‌فرزندی الگوی مطلوب ایرانیان نیست و متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی است
۲	ترکیان و لاشانی و همکاران (۱۳۹۸)	فرزندآوری: عوامل سوق‌دهنده و بازدارنده	علل اصلی گرایش والدین به تک‌فرزندی عبارتند از: نگرانی از تأمین آینده تحصیلی، امنیت شغلی فرزندان و افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند جدید و نداشتن درآمد کافی
۳	خانی و همکاران (۱۳۹۷)	مقایسه میان‌نسلی ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج	میزان تحصیلات، محل سکونت، اشتغال، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، با نگرش منفی نسبت به فرزند و سیاست تک‌فرزندی رابطه مثبت و معناداری دارد
۴	هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندآوری در بین زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز	سن ازدواج، وضعیت اقتصادی، نگرش به فرزندآوری، رضایت زناشویی، اشتغال و تحصیلات بر تک‌فرزندی تأثیر دارد
۵	حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۶)	دیدگاه بی‌فرزندان ارادی درباره فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت، جامعه پژوهی فرهنگی	هزینه و مسئولیت فرزندآوری، محدودیت اجتماعی فرزند برای والدین، مخاطرات بارداری، و اشتغال زنان تمایل والدین به فرزندآوری را کاهش می‌دهد (تک‌فرزندی)
۶	رازقی نصرآباد و همکاران (۱۳۹۵)	تجربه زیسته زنان شهر شهریار از تک‌فرزندی با تأکید بر چرایی و پیامدهای آن	تک‌فرزندی نتیجه تأخیر در ازدواج است و فقدان حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، مشکلات ترکیب کار و خانه‌داری و تغییرات نگرشی نسبت به فرزندآوری را سبب می‌شود

ردیف	نویسنده	عنوان	نتیجه
۷	محمدی و صیفوری (۱۳۹۵)	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان	نگرش منفی پاسخ‌گویان نسبت به آینده، فردگرایی، منفعت‌طلبی، خردگرایی و رضایتمندی زناشویی به‌طور مستقیم و میزان مطالعه، تحصیلات، درآمد و استفاده از رسانه به‌طور غیرمستقیم ترجیح باروری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد
۸	صادقی و سرایی (۱۳۹۵)	عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران	فقدان حمایت اجتماعی، اشتغال زنان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان بر فرزندآوری مؤثر است (تک‌فرزندی)
۹	خلج‌آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۵)	واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران	تک‌فرزندی ناشی از نگرش‌ها و احساسات و فضای غیرحمایتی جامعه و خانواده است
۱۰	چمنی و همکاران (۱۳۹۴)	مطالعه جامعه‌شناختی فرزندآوری (موردکاوی زنان متأهل شهر تهران)	تعداد اندک فرزندان ناشی از میزان تحصیلات، گرایش به پیشرفت و منزلت اجتماعی و کمال‌طلبی، اشتغال یا در انتظار شاغل شدن، فردگرایی، مدیریت بدن و آرمان‌گرایی و نگرش منفی به فرزند است
۱۱	ابراهیم‌پور و عبادی (۱۳۹۴)	تفاوت‌ها و ترجیحات نسلی در فرزندآوری (نظرها و نگرش‌ها): مطالعه موردی شهر ساری	برابری جنسیتی، میل به پیشرفت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و هنجارهای جامعه رفتار باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد
۱۲	رضوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)	تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران	هرچه میزان دین‌داری شهرها کمتر، سطوح سکولاریسم و فردگرایی بیشتر و توجه به ارزش‌های خانوادگی کمتر باشد، میزان باروری کاهش می‌یابد
۱۳	طاووسی و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل در شهر جهرم	بین جامعه‌پذیری جنسیتی، مشکلات فرزندپروری، و مشارکت اجتماعی با تمایل به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد

ردیف	نویسنده	عنوان	نتیجه
۱۴	گلپایگانی (۱۳۹۴)	بررسی عوامل مؤثر بر تغییر نگرش خانواده‌های ایرانی درباره کم‌فرزندآوری با نگاه به سیاست‌های جمعیتی	نگرش منفی به فرزند، نبود امنیت شغلی، آزادی فردی، استقلال‌طلبی و کاهش حمایت خانوادگی از عوامل مؤثر بر کاهش مولید و تک‌فرزندی است
۱۵	قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین	سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، نگرانی از آینده، فقدان حمایت دولت و خانواده، و اشتغال زنان باروری را کاهش می‌دهد
۱۶	رحیمی (۱۳۹۲)	علل گرایش به تک‌فرزندی و پیامدهای آن	دلایل افزایش تمایل خانواده‌ها به تک‌فرزندی عبارتند از: بالا رفتن سن ازدواج، اشتغال و تحصیلات عالی زنان، مسائل اقتصادی و فرهنگی و پیشرفت وسایل پیشگیری از بارداری
۱۷	عباسی شوازی و همکاران (۱۳۹۲)	سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری در شهر سیرجان	نگرش منفی به فرزند، رضایت زناشویی، استقلال‌طلبی، حمایت والدین، تحصیلات و وضعیت اقتصادی و اجتماعی بر گرایش زنان بر تک‌فرزندی تأثیر دارد.
۱۸	فرانسیزکا و مکارینی (۲۰۱۸)	بهبودی ذهنی والدین پس از اولین فرزند و کاهش انتظارات باروری	رضایت از زندگی زناشویی، تجربه فرزند اول، رضایت شغلی و وضعیت اقتصادی عوامل اصلی گرایش زوجین به تک‌فرزندی هستند
۱۹	سیلا، چان و تیموئی (۲۰۱۶)	درک اهمیت فرزندآوری و نگرش منفی نسبت به آن در بین زوجین چینی در هنگ‌کنگ	اشتغال زنان، حفظ سلامت جسمی و روحی، پایداری کم‌زندگی زناشویی، افزایش سن ازدواج، نگرش منفی به فرزندآوری بر گرایش به تک‌فرزندی تأثیر دارد
۲۰	کته خالی (۲۰۱۴)	عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار بر اندازه خانواده مطلوب در سیرالتون	اندازه خانواده (تعداد فرزند) متأثر از درآمد خانواده، تحصیلات زن و همکاری او در کشاورزی، فرهنگ و مذهب، فقدان حمایت والدین و فشار همسر است

ردیف	نویسنده	عنوان	نتیجه
۲۱	توکو (۲۰۱۳)	بررسی باورها و نگرش والدین نسبت به فرزندآوری	نگرش والدین، تحصیلات، درآمد و تجربه فردی بر فرزندآوری مؤثر است
۲۲	ریتا تستا، کاولی و روزیتا (۲۰۱۲)	تصمیم در مورد اینکه آیا فرزند داشته باشید: اختلاف نظر زوجین در این مورد	فقدان حمایت والدین، اشتغال زنان و نبود امنیت شغلی و وضعیت اقتصادی و توافق نکردن زوجین بر فرزندآوری، در گرایش والدین به تک‌فرزندی مؤثر است

۴. فرضیه‌های تحقیق

- بین سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- گرایش زنان به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد.
- بین وضعیت اقتصادی خانواده و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان عقلانیت و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی زنان و گرایش آن‌ها به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین جامعه‌پذیری جنسیتی (برابری جنسیتی) و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد اثبات‌گرایی و روش کمی با تکنیک پیمایش انجام گرفته است. این پژوهش از نوع پیمایشی است. با توجه به موضوع تحقیق می‌توان گفت نوع پژوهش توصیفی و علی است. گردآوری اطلاعات از زنان متأهل در سن باروری (۴۹-۱۵ساله) ساکن در شهر تهران صورت گرفته است؛ بنابراین واحد مشاهده فرد است. از آنجاکه در مورد افراد، بررسی و تحلیل صورت می‌گیرد و تعمیم نتایج به افراد است، سطح تحلیل خرد است. از نظر زمانی، پژوهش مقطعی است زیرا در مقطع زمانی مشخصی (۱۳۹۹) صورت گرفته است. همچنین از آنجاکه مطالعه روی جمعیتی وسیع انجام شده است، تحقیق از نظر میزان ژرفایی از نوع پهنانگر است. پژوهش حاضر کاربردی است.

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان متأهل در سن باروری (۴۹-۱۵ساله) شهر تهران است که در سال ۱۳۹۹ در آن سکونت داشته‌اند. با توجه به سایت مرکز آمار ایران، آخرین سرشماری مربوط به سال ۱۳۹۵ است که تعداد زنان دارای همسر ۴۹-۱۵ساله در نقاط شهری تهران برابر است با ۱/۶۳۴/۲۹۶ نفر که حجم جامعه آماری را تشکیل می‌دهد. با جای‌گذاری اعداد فوق در فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد و برای بالابردن ضریب اطمینان، ۴۲۰ نفر مورد پرسش قرار گرفتند.

انتخاب نمونه با تلفیق نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب صورت گرفته است. از آنجاکه حجم جامعه آماری بسیار گسترده است و اطلاعاتی از صفات جامعه آماری در دسترس نیست، از روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد؛ بدین‌صورت که ابتدا شهر تهران را براساس نواحی جغرافیایی به سه حوزه شمال، جنوب و مرکز تقسیم کرده و از هر حوزه به صورت تصادفی، یک منطقه (شهرداری) انتخاب شد.

ابزار مورد نیاز در این پژوهش پرسش‌نامه محقق‌ساخته است که پس از بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد به کار گرفته شد. سی. ا.ج. لاوشه^۱ روش پرکاربردی را برای سنجش اعتبار محتوا ابداع کرد. این روش میزان موافقت میان ارزیابان یا داوران درباره «مناسب یا اساسی بودن» گویه خاصی را اندازه‌گیری می‌کند (میرزایی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). براساس این روش می‌توان گفت گویه‌های مربوط به متغیرهای تحقیق به علت توافق نظر داوران مبنی بر مناسب بودن، دارای اعتبار محتواس. برای تعیین قابلیت اعتماد، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد؛ بدین ترتیب که با انجام تحقیقی مقدماتی با حجم نمونه‌ای معادل پنجاه نفر از زنان دارای همسر ساکن شهر تهران که به صورت تصادفی انتخاب شدند، میزان آلفای کرونباخ محاسبه شد و همگی بالای ۰/۷۰ به دست آمد که در علوم انسانی این میزان قابل قبول است.

۶. تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

۶-۱. گرایش به تک‌فرزندی (متغیر وابسته)

گرایش به تک‌فرزندی، قصد و تمایل زوجین برای داشتن تنها یک فرزند در طول دوران ازدواج که بنا بر توافق قبلی دو طرف است، براساس جدول زیر سنجیده می‌شود:

جدول شماره (۳). ابعاد محوری عناصر مفهومی گرایش به تک‌فرزندی (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵: ۱۵؛ برگرفته از شمس‌الدینی، ۱۳۹۴)

متغیر	ابعاد	پرسش
گرایش به تک‌فرزندی	نگرش به تعداد فرزندان	خانواده‌ها برای تعیین تعداد فرزندان خود براساس وضعیت اقتصادی تصمیم می‌گیرند.
		هرچه تعداد فرزندان یک خانواده بیشتر باشد، فرزندان بهتر تربیت می‌شوند.
		فرزندان زیاد سبب افزایش قدرت و نفوذ خانواده در اجتماع می‌شود.
		فرزندان به خواهر و برادر احتیاج دارند.
		فرزندان به محکم‌شدن پیوند ازدواج زن و شوهر کمک می‌کنند.
		فرزندان زیاد موجب سلب آرامش و آسایش پدر و مادر می‌شوند.
		گاهی مراقبت از فرزندان برای والدین خسته‌کننده و کسالت‌آور است.
		هرچه تعداد فرزندان خانواده کمتر باشد، موفقیت تحصیلی بیشتری دارند.
		افزایش تعداد فرزندان سبب می‌شود زنان نتوانند به‌راحتی به مشاغل بیرون از خانه بپردازند.
		داشتن فرزند زیاد سبب می‌شود به همسر توجه کمتری شود.
تمایل		با در نظر گرفتن تمام شرایط تک‌فرزندی را ترجیح می‌دهیم.
		دل‌مان می‌خواست یک فرزند دیگر هم داشتیم.
		همسرم دلش می‌خواست یک فرزند دیگر هم داشتیم.
		تمایلی به داشتن فرزند جدید نداریم چون فکر می‌کنیم نمی‌توانیم از او نگهداری و تربیت کنیم.
قصد		قصد به دنیا آوردن فرزند دیگری را داریم.
		برای آوردن فرزند دیگری برنامه‌ریزی کرده‌ایم.
		فشار و توصیه دیگران نظر ما را درباره فرزندآوری تغییر نمی‌دهد.
		اگر فرزندم پسر باشد حاضر نیستم فرزند دیگری بیاورم.

۲-۶. فردگرایی (متغیر مستقل)

در این تحقیق فردگرایی براساس دیدگاه *تریاندیس* با دو رویکرد مثبت (فردگرایی افقی) و منفی (فردگرایی عمودی) مورد سنجش قرار گرفته است. با توجه به تعریف نظری، شاخص‌های فردگرایی افقی عبارتند از: خودباوری و اعتقاد به توانایی خود، اتکاب‌نفس و انتخاب اهداف شخصی که همگی دارای بار ارزشی مثبت هستند. فردگرایی عمودی (منفی) براساس ویژگی‌های جاه‌طلبی، خودمحوری و رقابت‌جویی سنجیده شده است.

جدول شماره (۴). ابعاد محوری عناصر مفهومی متغیر فردگرایی

متغیر	ابعاد	خرده‌ابعاد	شاخص‌ها
فردگرایی	فردگرایی اقمی	خوداتکایی	برای شروع کارهایم نیازی نیست دیگران به من تذکر بدهند و خودم آغازکننده هستم.
			نسبتاً به خودم وابسته‌ام تا به دیگران.
		خودباوری	فکر می‌کنم لیاقت چیزهایی را که به دست آورده‌ام دارم.
	آدم بسیار منظم و برنامه‌مندی هستم.		
	اهداف مشخصی در زندگی دارم و سعی می‌کنم به آن‌ها دست پیدا کنم.		
	فاصله عاطفی	در کارهایم به ارزیابی دیگران توجهی ندارم.	
		بدون دیگران هم می‌توانم به اهدافم برسم.	
		دوستی‌های من با دیگران سطحی است و عمقی ندارد.	
	فردگرایی عمودی	خودمحوری	در کار ابتدا خودم را در نظر می‌گیرم و نظر خودم مهم است.
			دوست ندارم برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم کاری انجام دهم. مهم تلاش و سعی من است و نظر دیگران چندان اهمیتی ندارد.
		جاه‌طلبی	هرکس باید برای آینده‌اش خودش تصمیم بگیرد.
	برای رسیدن به موفقیت به هر قیمت تلاش می‌کنم.		
رقابت	هنگام تصمیم‌های مهم خودم را در نظر می‌گیرم.		
	بدون رقابت ممکن نیست بتوان جامعه خوبی داشت.		
	ترجیح می‌دهم با دیگران همکاری کنم تا با آن‌ها به رقابت بپردازم.		

۳-۶. اشتغال زنان (شغل و نوع شغل) (متغیر مستقل)

وضعیت اشتغال زنان با دو گزینه شاغل و غیرشاغل پرسیده شد. از افراد شاغل، نوع شغل مورد پرسش قرار گرفت و کدگذاری براساس کدنامه شغلی شهلا کاظمی پور انجام شد.

۴-۶. وضعیت اقتصادی خانواده (متغیر مستقل)

وضعیت اقتصادی خانواده در این پژوهش با مؤلفه‌های حقوق و درآمد ماهیانه، مایملک (وضعیت منزل مسکونی، ماشین) و هزینه‌ها سنجیده شد.

۵-۶. میزان عقلانیت (متغیر مستقل)

نظریه زولنای به بررسی انواع انتخاب‌های افراد پرداخته است و نوع‌شناسی کاملی را از

انتخاب‌های افراد مطرح کرده است؛ اما آنچه در این پژوهش مدنظر است، تنها جنبه انتخاب عقلانی نظریه زولنای است:

جدول شماره (۵). ابعاد محوری عناصر مفهومی متغیر میزان عقلانیت (مبارکی، ۱۳۹۱)

مفهوم	ابعاد	شاخص
انتخاب عقلانی	محاسبه آگاهانه سود و زیان	برای انجام هر کاری سود و زیان آن را برای خودم بررسی می‌کنم.
		هنگام انجام یک عمل، حساب سود و زیان هر کارکرد و کم‌زیان‌ترین عمل را انتخاب می‌کنم.
		من مسئول بدبختی و خوشبختی دیگران نیستم، من باید گلیم خودم را از آب بیرون بکشم.
		باید در شرایط مختلف از فرصت‌های ایجادشده در زندگی به نحو احسن استفاده کنم تا منافع شخصی‌ام را تأمین کنم.
	ترجیح‌دادن منافع خود نسبت به دیگران	پیشرفت و موفقیت برخی سبب عقب‌ماندگی افراد دیگر می‌شود.
		هر کس در درجه اول باید به فکر خودش باشد و سپس به حقوق دیگران توجه کند.
		امروزه شرایط به گونه‌ای است که انسان ناچار می‌شود به خاطر منافع شخصی، بخشی از تعهداتش با دیگران را نادیده بگیرد.
		هنگام سختی توجه به منافع خود و خانواده‌ام مهم‌تر از منافع دیگران است.
	دوراندیشی (نفع درازمدت، برنامه‌ریزی، پس‌انداز)	به کسانی کمک می‌کنم که از آن‌ها انتظار جبران کمک متقابل دارم.
		برای آینده برنامه‌ریزی مشخصی دارم.
ترجیح می‌دهم برای آینده پس‌انداز کنم.		
برای اطمینان در زندگی، چندین راه (شغل) را برای به‌دست‌آوردن پول مدنظر قرار داده‌ام.		

۶-۶. مشارکت اجتماعی (متغیر مستقل)

جدول شماره (۶). ابعاد محوری عناصر مفهومی متغیر مشارکت اجتماعی (بر گرفته از اسدپور و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴)

مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها
مشارکت اجتماعی	رسمی	مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه و انسان‌دوستانه
		مشارکت در انجمن‌های علمی یا تعاونی
		مشارکت در گروه‌های ادبی و هنری
		مشارکت در شوراهای اسلامی شهر و روستا
	غیررسمی	مشارکت در مراسم عزاداری، جشن‌های مذهبی در مسجد،

مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها
		جلسه‌های ختم قرآن
		شرکت در فعالیت‌های کمک به همسایگان
		کمک و صدقه به افراد مستمند و آسیب‌دیده
		کمک به افراد برای ازدواج و تهیه جهیزیه
		کمک به ساخت مسجد و اماکن مذهبی

۶-۷. جامعه‌پذیری جنسیتی (برابری جنسیتی) (متغیر مستقل)

به منظور سنجش این متغیر، کلیشه‌های جنسیتی رایج در قالب گویه مطرح شد.

جدول شماره (۷). ابعاد محوری عناصر مفهومی متغیر جامعه‌پذیری جنسیتی (برگرفته از اعظم آزاده و آرامی، ۱۳۹۵: ۲۴)

مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها
کلیشه‌های نقش		زن برای کار خانه و مرد برای کار بیرون از خانه ساخته شده است.
		کار خارج از خانه مانع رسیدن به وظایف خانه‌داری و پرورش فرزندان می‌شود.
		کار زن در بیرون از خانه موجب دلسردی کانون خانواده می‌شود.
هنجارهای نقش		زنان نباید انتظار داشته باشند که از نظر اجتماعی و اقتصادی موقعیتی مانند مردان داشته باشند.
		زنان باید به جای مشارکت مستقیم در امور اجتماعی، زمینه را برای فعالیت مردان فراهم کنند.
		زن باید از همسرش اطاعت کند.
ایدئولوژی‌های جنسیتی		مردان بهتر از زنان فکر می‌کنند، پس می‌توانند مسئولیت‌های بیشتری داشته باشند.
		دانشمندان و علما بیشتر مرد بوده‌اند، پس بهتر است مسئولیت‌های اجتماعی هم با آنان باشند.
		مردان در حل مسائل و مشکلات زندگی از زنان قوی‌ترند، پس می‌توانند رهبران بهتری هم باشند.
		مردان کمتر از زنان درگیر احساسات‌اند، پس رهبران موفق‌تری در جامعه هستند.
		مردان به گونه‌ای خلق شده‌اند که از زنان باهوش‌ترند.
		ویژگی مغزی مردان چنان است که در ریاضیات و علوم، موفق‌ترند.

۷. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق حاضر در دو سطح توصیفی و استنباطی بررسی شده است که در زیر ارائه می‌شود.

۷-۱. یافته‌های توصیفی

جدول شماره (۸). آماره‌های توصیفی مربوط به سن پاسخ‌گویان

متغیر	آماره‌های توصیفی	میانگین	میانه	نما	کمترین میزان	بیشترین میزان
سن پاسخ‌گو	۳۶/۸۴۷۵	۳۸	۲۹	۲۰	۵۴	
سن ازدواج	۲۳/۷۵۳۰	۲۴	۲۵	۰	۵۰	

میانگین سن پاسخ‌گویان ۳۶ سال، میانه سن پاسخ‌گویان ۳۸ سال و نما ۲۹ سال است. میانگین سن ازدواج پاسخ‌گویان، ۲۳ سال، میانه سن ازدواج پاسخ‌گویان ۲۴ سال و نما برابر با ۲۵ است.

جدول شماره (۹). توزیع فراوانی و درصدی مربوط به تعداد فرزند

تعداد فرزند	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی
۰	۳۶	۸/۷	۸/۷
۱	۱۳۸	۳۳/۳	۴۲/۰
۲	۱۴۳	۳۴/۵	۷۶/۶
۳	۵۷	۱۳/۸	۹۰/۳
۴	۳۷	۸/۹	۹۹/۳
۵	۲	/۵	۹۹/۸
۶	۱	/۲	۱۰۰/۰
جمع	۴۱۴	۱۰۰/۰	
بی‌پاسخ	۶		
جمع کل	۴۲۰		

بیشتر پاسخ‌گویان دو فرزند (۳۴ درصد) یا یک فرزند (۳۳ درصد) دارند.

جدول شماره (۱۰). توزیع فراوانی و درصدی مربوط به میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی
دیپلم و پایین‌تر	۴۲	۱۰/۰	۱۰/۰
فوق‌دیپلم	۱۳۴	۳۱/۹	۴۱/۹

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی
لیسانس	۱۵۷	۳۷/۴	۷۹/۳
فوق لیسانس	۶۵	۱۵/۵	۹۴/۸
دکتر	۱۹	۴/۵	۹۹/۳
بی‌پاسخ	۳	۰/۷	۱۰۰/۰
جمع کل	۴۲۰	۱۰۰/۰	

بیشتر پاسخ‌گویان (۳۷ درصد) تحصیلات لیسانس و پس از آن بیشترین تحصیلات (۳۲ درصد) فوق‌دیپلم است.

جدول شماره (۱۱). جدول توزیع فراوانی و درصدی متغیرهای پژوهش

مشارکت اجتماعی	جامعه‌پذیری جنسیتی			میزان عقلانیت			فردگرایی			گرایش به تک‌فرزندی			فراوانی	
	پایین	متوسط	بالا	پایین	متوسط	بالا	پایین	متوسط	بالا	پایین	متوسط	بالا		
۷	۳۲۶	۸۷	۸	۱۳۵	۲۷۷	۱۰	۳۴۶	۶۴	۵۸	۳۳۰	۳۲	۳۳	۳۵۸	۲۹
۱/۷	۷۷/۶	۲۰/۷	۱/۹	۳۲/۱	۶۶	۲/۴	۸۲/۴	۱۵/۲	۱۳/۸	۷۸/۶	۷/۶	۷/۹	۸۵/۲	۶/۹

■ گرایش به تک‌فرزندی میان اکثر پاسخ‌گویان (۸۵ درصد)، متوسط است.

■ فردگرایی اکثر پاسخ‌گویان (۷۸ درصد)، متوسط است.

■ میزان عقلانیت اکثر پاسخ‌گویان (۸۲ درصد)، متوسط است.

■ جامعه‌پذیری جنسیتی اکثر پاسخ‌گویان (۶۶ درصد)، پایین است.

■ مشارکت اجتماعی اکثر پاسخ‌گویان (۷۷ درصد)، متوسط است.

نزدیک‌بودن انواع میانگین، نزدیک‌بودن میانه به میانگین، آزمون سیمونف و ویلک، نمودار هیستوگرام، نمودار Q-Q، BOX PLOT، نشان می‌دهد متغیر گرایش به تک‌فرزندی دارای توزیع متقارن و نرمال است.

۷-۲. یافته‌های استنباطی

■ بین سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی در بین خانواده‌های تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱۲). آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی

سن ازدواج	گرایش به تک‌فرزندی		
.۲۹۴**	۱	R	گرایش به تک‌فرزندی
.۰۰۰		Sig	
۴۱۷	۴۲۰	N	
۱	.۲۹۴**	R	سن ازدواج
	.۰۰۰	Sig	
۴۱۷	۴۱۷	N	

گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با سن ازدواج همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,29$ شدت این رابطه، متوسط ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که مثبت است، گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر است. به عبارت دیگر با بالا رفتن سن ازدواج، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و برعکس. بالا رفتن سن ازدواج فرصت داشتن فرزندان بیشتر را از افراد سلب می‌کند و زوجین به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از داشتن بیش از یک فرزند اجتناب می‌ورزند.

■ بین فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی در بین خانواده‌های تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱۳). آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی

فردگرایی	گرایش به تک‌فرزندی		
.۲۶۷**	۱	R	گرایش به تک‌فرزندی
.۰۰۰		Sig	
۴۲۰	۴۲۰	N	
۱	.۲۶۷**	R	فردگرایی
	.۰۰۰	Sig	
۴۲۰	۴۲۰	N	

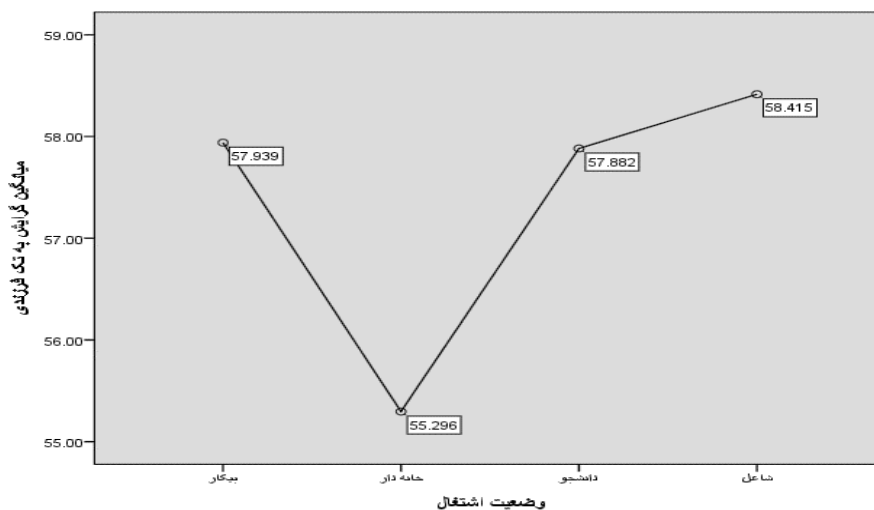
گرایش به تک‌فرزندگی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با فردگرایی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,26$ شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و علامت مثبت این ضریب گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر است. به عبارت دیگر با بالا رفتن فردگرایی، گرایش به تک‌فرزندگی افزایش می‌یابد و برعکس. افزایش فردگرایی می‌تواند با افزایش مؤلفه‌های خودباوری و اعتقاد به توانایی خود، اتکاب‌نفس، جاه‌طلبی، خودمحوری و رقابت‌جویی همراه باشد. در واقع با افزایش فردگرایی، توجه فرد به خود و نیازهایش افزایش می‌یابد و داشتن فرزند بیشتر، وی را از توجه به خویشتن بازمی‌دارد؛ بدین ترتیب گرایش به تک‌فرزندگی افزایش می‌یابد.

■ **گرایش زنان به تک‌فرزندگی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال در بین خانواده‌های تهرانی تفاوت معناداری دارد.**

جدول شماره (۱۴). آزمون F (تحلیل واریانس) گرایش زنان به تک‌فرزندگی بین گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال

Sig	F	میانگین مجذورات	Df	مجموع مجذورات	
.000	۸/۱۴۳	۲۹۸/۲۵۲	۳	۸۹۴/۷۵۷	بین‌گروهی
		۳۶/۶۲۵	۴۱۴	۱۵۱۶۲/۸۶۲	درون‌گروهی
			۴۱۷	۱۶۰۵۷/۶۲۰	مجموع

از آنجاکه متغیر گرایش به تک‌فرزندگی در سطح سنجش فاصله‌ای است و محقق قصد مقایسه میانگین این متغیر را در بین چهار گروه دارد، در نتیجه از آزمون F مستقل استفاده می‌کنیم. نتایج آزمون ANOVA در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0.00$ و میزان $F=8.14$ حاکی از آن است که میزان گرایش به تک‌فرزندگی در بین گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد؛ بنابراین با توجه به اطلاعات موجود، فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه H_0 رد می‌شود.



نمودار شماره (۱). نمودار خطی مقایسه میانگین گرایش به تک‌فرزندگی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال

با توجه به نتایج نمودار فوق، مشاهده می‌شود میانگین گرایش به تک‌فرزندگی میان افراد شاغل بیشترین میزان و پس از آن به ترتیب، بی‌کار و دانشجویست و کمترین میزان گرایش به تک‌فرزندگی میان افراد خانه‌دار وجود دارد. افراد خانه‌دار فرصت بیشتری برای فرزندآوری در اختیار دارند؛ بنابراین گرایش به تک‌فرزندگی در میان افراد خانه‌دار نسبت به افراد شاغل مشغول کار و دانشجویان مشغول تحصیل، کمتر است.

■ بین وضعیت اقتصادی خانواده و گرایش زنان به تک‌فرزندگی در بین خانواده‌های تهرانی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۱۵). آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین وضعیت اقتصادی خانواده و گرایش زنان به تک‌فرزندگی

وضعیت اقتصادی خانواده	گرایش به تک‌فرزندگی		
/۰۹۳	۱	R	گرایش به تک‌فرزندگی
/۰۶۹		Sig	

وضعیت اقتصادی خانواده	گرایش به تک‌فرزندی		
۳۸۸	۴۲۰	N	
۱	۱۰۹۳	R	وضعیت اقتصادی خانواده
	۱۰۶۹	Sig	
۳۸۸	۳۸۸	N	

گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,09$ با وضعیت اقتصادی خانواده همبستگی معناداری ندارد. البته به نظر می‌رسد پاسخ‌گویان از دادن اطلاعات دقیق خودداری کرده‌اند.

■ بین میزان عقلانیت و گرایش زنان به تک‌فرزندی در بین خانواده‌های تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱۶). آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین میزان عقلانیت و گرایش زنان به تک‌فرزندی

میزان عقلانیت	گرایش به تک‌فرزندی		
.۳۱۲**	۱	R	گرایش به تک‌فرزندی
.۰۰۰		Sig	
۴۲۰	۴۲۰	N	
۱	.۳۱۲**	R	میزان عقلانیت
	.۰۰۰	Sig	
۴۲۰	۴۲۰	N	

گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با میزان عقلانیت، همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,31$ شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که مثبت است، گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر است. به عبارت دیگر با بالا رفتن میزان عقلانیت، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و برعکس. مطابق نظریه انتخاب عقلانی در یک جامعه، رفتار باروری ناشی از یک رفتار اقتصادی عقلانی است که بر تصمیم‌گیری برای تعداد فرزندان تأثیر دارد.

■ بین مشارکت اجتماعی و گرایش زنان به تک‌فرزندی در بین خانواده‌های تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱۷). آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و گرایش زنان به تک‌فرزندی

مشارکت اجتماعی	گرایش به تک‌فرزندی		
۰.۳۳	۱	R	گرایش به تک‌فرزندی
۰.۳۳		Sig	
۴۲۰	۴۲۰	N	
۰.۳۳	۱	R	مشارکت اجتماعی
۰.۳۳		Sig	
۴۲۰	۴۲۰	N	

گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,03$ با مشارکت اجتماعی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,10$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که منفی است گویای جهت معکوس رابطه بین دو متغیر است. به عبارت دیگر با بالا رفتن مشارکت اجتماعی، گرایش به تک‌فرزندی کاهش می‌یابد و برعکس. افزایش مشارکت اجتماعی زنان، مسئولیت‌های دیگری را در کنار خانه‌داری بر دوش آن‌ها گذاشته و فرصت فرزندآوری‌شان را کاهش داده است، اما به مرز تک‌فرزندی نرسانده است.

■ بین جامعه‌پذیری جنسیتی (برابری جنسیتی) و گرایش زنان به تک‌فرزندی در بین خانواده‌های تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱۸). آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین جامعه‌پذیری جنسیتی و گرایش زنان به تک‌فرزندی

جامعه‌پذیری جنسیتی	گرایش به تک‌فرزندی		
۰.۰۰۰	۱	R	گرایش به تک‌فرزندی
۰.۰۰۰		Sig	
۴۲۰	۴۲۰	N	

جامعه‌پذیری جنسیتی	گرایش به تک‌فرزندی		
۱	-.۳۸۷**	R	جامعه‌پذیری جنسیتی
	.۰۰۰	Sig	
۴۲۰	۴۲۰	N	

گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $\text{Sig}=۰,۰۰۰$ با جامعه‌پذیری جنسیتی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=۰,۳۸$ شدت این رابطه نسبتاً قوی ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که منفی است، گویای جهت معکوس رابطه بین دو متغیر است. به عبارت دیگر با بالا رفتن جامعه‌پذیری جنسیتی، گرایش به تک‌فرزندی کاهش می‌یابد و برعکس. امروزه با تغییر نقش جنسیتی و توجه به برابری جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی مانند اینکه زن برای کار خانه و مرد برای کار بیرون است، زن باید از همسرش اطاعت کند و مردان در حل مسائل و مشکلات زندگی از زنان قوی‌ترند پس می‌توانند رهبران بهتری هم باشند، دیگر مانند گذشته به راحتی پذیرفته نمی‌شود و زنان چندان خود را مکلف به خانه‌داری نمی‌بینند. مردان نیز آموخته‌اند که در امور منزل و نگهداری از فرزند مشارکت کنند. بدین ترتیب می‌توان گفت با افزایش جامعه‌پذیری جنسیتی، گرایش به تک‌فرزندی کاهش می‌یابد.

۳-۷. تحلیل رگرسیونی

به نظر می‌رسد فردگرایی، میزان عقلانیت، جامعه‌پذیری جنسیتی، مشارکت اجتماعی و وضعیت اقتصادی خانواده بر گرایش به تک‌فرزندی مؤثر است.

با توجه به معناداری آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق که پیش شرط آزمون رگرسیون است، در اینجا برای تعیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل فردگرایی، میزان عقلانیت، جامعه‌پذیری جنسیتی، مشارکت اجتماعی، و وضعیت اقتصادی خانواده بر گرایش به تک‌فرزندی از رگرسیون خطی با روش Stepwise استفاده شده است. به کمک این روش، دو مدل برای تبیین متغیر وابسته پیشنهاد شده است: جامعه‌پذیری جنسیتی، و میزان عقلانیت.

جدول شماره (۱۹). مدل رگرسیون پیش‌بینی شده

مدل	مجذور ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعدیل یافته
۲	.۲۵۲	.۲۴۸

با توجه به نتایج جدول بالا، مقدار ضریب تبیین (R²) به دست آمده برای تبیین گرایش به تک‌فرزندی در مدل بالا R²=۰,۲۵ است که این میزان در علوم انسانی نشان می‌دهد متغیر وابسته به میزان نسبتاً خوبی توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود؛ در واقع گرایش به تک‌فرزندی به میزان ۲۵ درصد توسط جامعه‌پذیری جنسیتی و میزان عقلانیت تبیین می‌شود.

جدول شماره (۲۰). نتایج آزمون ANOVA

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	میانگین مجذورات	میزان آزمون (F)	سطح معناداری (Sig)
۲	۳۶۴۶/۲۱۱	۲	۱۸۲۳/۱۰۵	۶۴/۸۷۱	.۰۰۰
	۱۰۸۱۹/۸۱۰	۳۸۵	۲۸/۱۰۳		
	۱۴۴۶۶/۰۲۱	۳۸۷			

جدول شماره (۲۱). ضرایب رگرسیونی مربوط به مدل‌های پیش‌بینی شده

مدل	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده		T	Sig
		B	Std. Error		
۲	میزان ثابت	۵۰/۷۵۰	۲/۷۸۹	۱۸/۱۹۸	.۰۰۰
	جامعه‌پذیری جنسیتی	-۰/۳۱۶	۰/۰۳۵	-۸/۹۹۰	.۰۰۰
	میزان عقلانیت	۰/۳۸۲	۰/۰۶۰	۶/۴۱۴	.۰۰۰

با توجه به ضرایب رگرسیونی فوق، در این مدل متغیرهای مستقل جامعه‌پذیری جنسیتی و میزان عقلانیت بر گرایش به تک‌فرزندی تأثیر دارد که معادله خط رگرسیونی پیش‌بینی آن به شرح ذیل است:

$$y = a + b_1 \cdot x_1 + b_2 \cdot x_2$$

$$y = ۵۰/۷۵ - ۰/۳۱ (جامعه‌پذیری جنسیتی) + ۰/۳۸ (میزان عقلانیت)$$

مقدار ثابت برابر است با ۵۰/۷۵، ضریب تأثیر متغیر جامعه‌پذیری جنسیتی برابر است با ۰/۳۱، ضریب تأثیر متغیر میزان عقلانیت برابر است با ۰/۳۸؛ به عبارت دیگر در ازای تغییر متغیرهای جامعه‌پذیری جنسیتی و میزان عقلانیت به میزان ضریب مربوطه، گرایش به تک‌فرزندی به میزان یک انحراف معیار تغییر می‌یابد.

در پی پاسخ به این پرسش که بین این دو متغیر مستقل، بیشترین تأثیر مربوط به کدام متغیر است، از معادله رگرسیونی استاندارد شده استفاده می‌کنیم.

فرمول ضریب رگرسیونی استاندارد شده به صورت زیر است:

$$Zy = B_1 \cdot X_1 + B_2 \cdot X_2$$

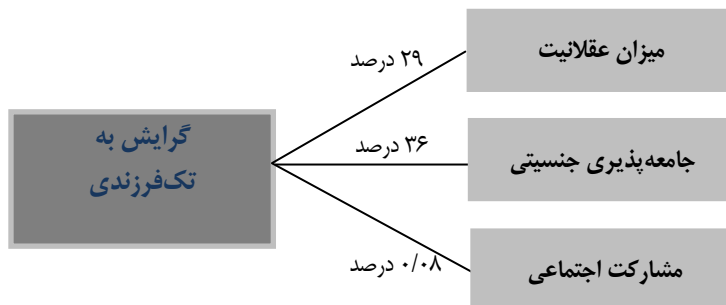
$$Zy = ۰/۳۹ \text{ (میزان عقلانیت)} + ۰/۲۸ \text{ (جامعه‌پذیری جنسیتی)}$$

با توجه به معادله بالا، بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به جامعه‌پذیری جنسیتی و میزان عقلانیت است.

۸. تحلیل مسیر

جدول شماره (۲۲). تحلیل مسیر مرحله اول

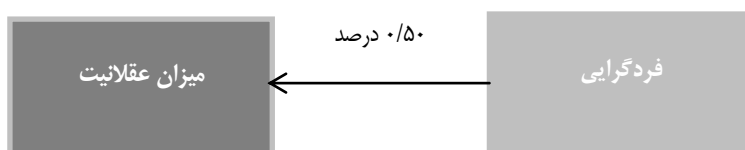
Sig	T	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		
		Beta	Std. Error	B	
.۰۰۰	۱۷/۳۰۵		۳/۰۵۱	۵۲/۸۰۰	مقدار ثابت
.۰۰۰	۶/۷۷۷	.۲۹۰	.۰۵۸	.۳۹۳	میزان عقلانیت
.۰۰۰	-۸/۵۷۳	-.۳۶۷	.۰۳۵	-.۲۹۸	جامعه‌پذیری جنسیتی
.۰۳۸	۲/۰۷۹	-.۰۸۹	.۰۶۱	-.۱۲۷	مشارکت اجتماعی



نمودار شماره (۲). تحلیل مسیر مرحله اول

جدول شماره (۲۳). تحلیل مسیر مرحله دوم

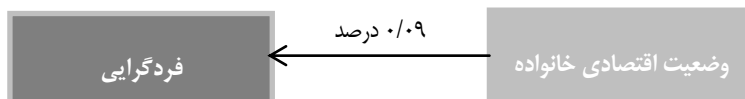
.Sig	T	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده			
		Beta	Std. Error	B	
.۰۰۰	۵/۹۶۱		۲/۳۳۹	۱۳/۹۴۶	مقدار ثابت
.۰۰۰	۱۱/۷۹۶	.۵۰۰	.۰۴۲	.۴۹۲	فردگرایی



نمودار شماره (۳). تحلیل مسیر مرحله دوم

جدول شماره (۲۴). تحلیل مسیر مرحله سوم

.Sig	T	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده			
		Beta	Std. Error	B	
.۰۰۰	۱۱۲/۴۴۷		.۴۸۹	۵۵/۰۴۲	مقدار ثابت
.۰۵۰	۱/۹۶۰	.۰۹۹	.۰۶۴	.۱۲۶	وضعیت اقتصادی خانواده

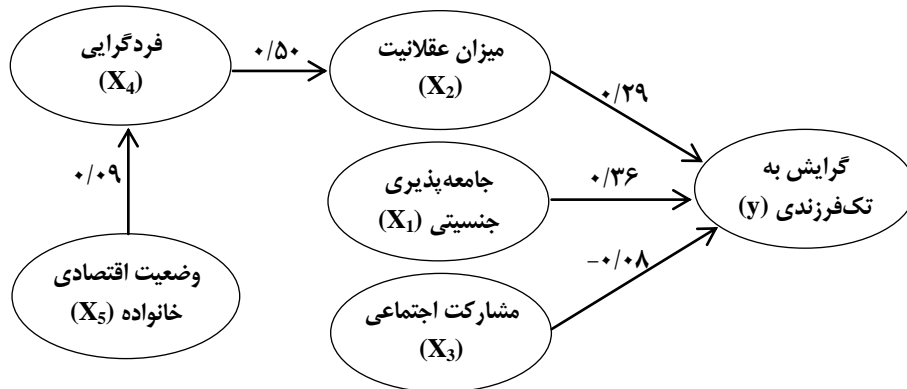


نمودار شماره (۴). تحلیل مسیر مرحله سوم

جدول شماره (۲۵). مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر
جامعه‌پذیری جنسیتی	-۰/۳۶	-	-۰/۳۶
میزان عقلانیت	۰/۲۹	-	۰/۲۹
مشارکت اجتماعی	-۰/۰۸	-	-۰/۰۸
فردگرایی	-	۰/۱۴	۰/۱۴
وضعیت اقتصادی خانواده	-	۰/۰۱	۰/۰۱

که در نهایت ضرایب رگرسیونی مدل تحقیق به صورت زیر است:



نمودار شماره (۵). ضریب رگرسیونی مدل تحقیق

مطابق مدل فوق، متغیرهای میزان عقلانیت، جامعه‌پذیری جنسیتی و مشارکت اجتماعی به شکل مستقیم و متغیرهای فردگرایی و وضعیت اقتصادی خانواده به شکل غیرمستقیم بر گرایش به تک‌فرزندی تأثیر می‌گذارند. تأثیر متغیرهای میزان عقلانیت، فردگرایی و وضعیت اقتصادی خانواده بر متغیر گرایش به تک‌فرزندی مثبت و تأثیر متغیرهای جامعه‌پذیری جنسیتی و مشارکت اجتماعی بر متغیر وابسته منفی است. بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته به ترتیب عبارت است از: جامعه‌پذیری جنسیتی، میزان عقلانیت، فردگرایی، مشارکت اجتماعی و وضعیت اقتصادی خانواده.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد با بالا رفتن سن ازدواج، گرایش به تک‌فرزندی نیز افزایش می‌یابد و برعکس. نورویل، گومز و ال براون (۲۰۱۶) دریافتند نرخ باروری تحت تأثیر سن ازدواج و به تعویق انداختن آن است. از نظر مؤسسه مطالعات خانواده استرالی (۲۰۰۴) تأخیر در ازدواج یکی از عوامل مؤثر بر رفتار باروری و فرزندآوری است. در مطالعه دیگری در کشور فرانسه نیز بر همین موضوع تأکید شده است (برتون و پریوکس، ۲۰۰۹). در برخی کشورهای اروپای شمالی، زنان تحصیل کرده به علت تأخیر در باروری، فرزندان کمتری به دنیا می‌آورند در حالی که تمایل دارند فرزندان بیشتری داشته باشند (ون دی کا، ۲۰۰۱).

می‌توان گفت در همه تحقیقاتی که در زمینه باروری صورت گرفته است، عامل سن مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر باروری مطرح شده است. تأخیر در ازدواج به دلیل طولانی‌بودن دوره تحصیلات و اشتغال و سخت‌گیری در انتخاب همسر و عوامل دیگر، فرصت فرزندآوری را کاهش می‌دهد. مسئولان وظیفه دارند شرایط ازدواج به‌موقع را فراهم کنند؛ البته به نظر می‌رسد در این زمینه علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی نیز بسیار اهمیت دارد و باید تمهیدات لازم برای آن اندیشیده شود.

نتایج حاکی از آن است که با بالا رفتن فردگرایی، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و برعکس. از نظر اولریش بک خوش‌گذرانی و خودخواهی نسل جوان و فعالیت زنان برای آزادی، عامل اصلی کاهش باروری است. امروزه مفاهیمی چون فردگرایی و خودشکوفایی، آزادی انتخاب، پیشرفت فردی و سبک زندگی، متغیرهایی هستند که رفتار باروری را تبیین می‌کنند. زوجین تنها به این دلیل دارای بچه می‌شوند یا نمی‌شوند که نیازهای خصوصی و شخصی خود را برآورده سازند. تمایل به فردگرایی و ارتقای سطح زندگی و داشتن رفاه بیشتر، با داشتن فرزند زیاد سازگاری ندارد. در این حالت، زنان و مادران احساس می‌کنند با حضور فرزند آرزوها و آمال شخصی‌شان به خطر می‌افتد؛ بنابراین گرایش به فرزندآوری در آنان کاهش می‌یابد (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲: ۱۲۰-۱۱۹).

مطابق نتایج پژوهش با بالا رفتن میزان عقلانیت، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و برعکس. عقلانیت یکی از مشخصه‌های مدرنیته نیز است. انسان مدرن در همه تصمیمات خود سود و زیان را محاسبه می‌کند و تصمیم در مورد تعداد فرزندان نیز از این قاعده پیروی می‌کند. البته منظور از هزینه‌ها صرفاً اقتصادی نیست.

محمدی و صیفوری نیز به این نتیجه رسیدند که بین فردگرایی و میزان تک‌فرزندی رابطه مستقیم برقرار است. چمنی و همکاران نیز این رابطه را تأیید کرده‌اند؛ کما اینکه رضوی‌زاده و همکاران نیز بر آن صحنه گذاشته‌اند. البته در جوامع غیردینی که تحت تأثیر مدرنیته به فردگرایی روی آورده‌اند، پذیرش این موضوع آسان است اما در ایران که مردم

مسلمان هستند، انتظار چنین نتایجی می‌تواند تلنگری بر متولیان دینی هم باشد چراکه آموزه‌های دینی ما پُر از دعوت به دیگرخواهی و توجه به هم‌نوعان است؛ چه شده است که مردم صرفاً به منافع خود می‌اندیشند؟ در آموزه‌های دینی ما رعایت حقوق دیگران لازم و تضييع آن مذموم است و موضوع تک‌فرزندی نوعی ضایع کردن حق کودک است. زوجین این حق را برای خود قائل‌اند که نقش پدری و مادری را تجربه کنند و با تولد نخستین فرزند، این حق را کسب می‌کنند، درحالی‌که فرزند هم حق دارد تنها نباشد ولی پدر و مادر به دلیل مشکلات مختلفی که اشاره شد، حاضر به فرزندآوری دوباره نیستند. آیا والدین مجاز به نادیده‌گرفتن حق کودک هستند؟ آیا این بهره‌مندی از حق که به پایمال کردن حق فرزند می‌انجامد، مصداق سوءاستفاده از حق کودک نیست؟ شاید با طرح مسئله به صورت فوق بتوان در زمینه کاهش تک‌فرزندی گام برداشت.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، میانگین گرایش به تک‌فرزندی میان افراد شاغل بیشترین میزان و پس از آن به ترتیب بین افراد بیکار و دانشجویان و کمترین میزان گرایش به تک‌فرزندی میان افراد خانه‌دار وجود دارد. قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خویش به این نتیجه رسیدند که خانه‌داری زنان در بالابودن سطح باروری آنان مؤثر است. نتایج پژوهش آفرینی و همکاران (۱۳۹۷) حاکی از آن است که با اشتغال زنان، تمایل والدین به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد. *فرانسیزکا* و *مکارینی* (۲۰۱۸) دریافتند حفظ شغل و موقعیت اجتماعی و شغلی ایجاب می‌کند، والدین به یک فرزند اکتفا کنند. *سیلا*، *چان* و *تیموشی* (۲۰۱۶) هم اعلام کردند اشتغال تمام‌وقت و فرصت شغلی برای زنان بی‌فرزند باعث شده است تا تمایل به فرزندآوری در میان زوجین کم باشد.

تحقیقات فراوانی رابطه اشتغال و کم‌فرزندی را ثابت کرده‌اند؛ بنابراین اشتغال زنان که روزبه‌روز در حال افزایش است، تأثیری انکارناشدنی در میزان باروری دارد. با توجه به اینکه حدود سی درصد زنان ایرانی شاغل هستند و این تعداد نمی‌تواند تأثیر معناداری بر جمعیت داشته باشد، شاید بتوانیم از بحث اشاعه فرهنگی استفاده کنیم که تک‌فرزندی

به‌عنوان شاخصه‌ای از مدرنیته، در حال تسری به گروه‌های مختلف است.

نتایج نشان می‌دهد با بالارفتن جامعه‌پذیری جنسیتی، گرایش به تک‌فرزندی کاهش می‌یابد و برعکس. مک‌دونالد استدلال می‌کند در طول قرن بیستم انقلابی در سطوح برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور و سطح کلان (جامعه) در کشورهای پیشرفته رخ داده است. سطوح بالای برابری که توسط زنان به‌عنوان افراد کسب شده بود، با سطوح پایین برابری زنان در نهاد خانواده ترکیب شد؛ به‌گونه‌ای که از زنان انتظار می‌رود، با تحصیلات و مشارکت در جامعه نقش‌های همسری و مادری را نیز ایفا کنند. امروزه باروری بسیار پایین در کشورهای پیشرفته، پیامد تضاد و ناهماهنگی میان سطوح بالای برابری جنسیتی در نهادهای اجتماعی فردمحور و نابرابری جنسیتی حفظ‌شده در نهادهای اجتماعی خانواده‌محور است.

داده‌ها حاکی از آن است که بین وضعیت اقتصادی و تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود ندارد؛ حال آنکه فروتن (۱۳۹۹) به وجود رابطه معنادار بین این دو عامل تأکید می‌کند. همچنین ترکیان و همکاران، ابراهیم‌پور و عبادی، قاسمی اردهایی، عباسی شوازی، کتته خالی، توکو، فرانسیزکا و مکارینی بر تأثیر وضعیت اقتصادی بر تک‌فرزندی و کم‌فرزندی تأکید می‌کنند.

گرچه عامل اقتصادی در میزان مولید بی‌تأثیر نیست ولی به نظر می‌رسد تک‌فرزندی در خانواده‌های متمول بیشتر است و به‌نوعی نشانگر اعتبار اجتماعی است و افراد طبقات متوسط نیز برای اینکه خود را بالاتر از آنچه هستند، نشان دهند تک‌فرزندی را انتخاب می‌کنند. در ضمن ممکن است افراد در دادن اطلاعات در این زمینه محافظه‌کاری کرده باشند.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، با بالارفتن مشارکت اجتماعی، گرایش به تک‌فرزندی کاهش می‌یابد و برعکس. این در حالی است که محققانی مانند کاوه و همکاران (۱۳۹۶)، طاووسی و همکاران (۱۳۹۵)، هاشمی‌نیا و همکاران و پیلتن و همکاران (۱۳۹۴) به رابطه مستقیم بین عوامل گفته‌شده تأکید دارند. در این رابطه باید افزود

مشارکت اجتماعی تنها به معنای اشتغال نیست بلکه شرکت در امور خیریه و عام‌المنفعه و امثال آن را نیز دربرمی‌گیرد. به نظر می‌رسد محققانی که بر رابطه مستقیم این دو عامل تأکید دارند، مشارکت اجتماعی را تنها با اشتغال سنجیده‌اند. در پایان بیان چند نکته ضرورت دارد:

۱. مصاحبه‌های انجام شده با افراد مختلف حاکی از آن است که تک‌فرزندی الگوی مورد رضایت زوجین نیست بلکه بیشتر متأثر از تعیین‌کننده‌های اقتصادی و اجتماعی است.

۲. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد به‌رغم وجود شباهت‌هایی در رویکردهای جمعیتی، تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای هم بین افراد ساکن در مناطق مختلف ایران مشاهده می‌شود. بر همین اساس، موفقیت پایدار سیاست‌گذاری‌های جمعیتی نیازمند توجه کافی به مناطق مختلف کشور و منوط به مطالعات دقیق علمی ناظر بر رویکردهای جمعیتی ساکنان مناطق مختلف در سرتاسر ایران است.

۳. در کشور ما در مقاطعی از تاریخ، سیاست دولتمردان بر فزونی جمعیت و در مقاطعی بر کنترل و کاهش آن بوده است. به نظر می‌رسد این سیاست‌ها نیازمند توجه به زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است وگرنه مسئله‌ساز می‌شود. در شرایط فعلی که اهتمام دولتمردان بر افزایش رشد جمعیت است، نباید از نیازهای جمعیتی که اضافه می‌شوند، غافل شد. اکثر زوجینی که دارای یک فرزند هستند، متولدین دهه شصت هستند. در آن مقطع بدون توجه به زیرساخت‌ها، مردم را به افزایش مولید تشویق کردند و حاصل آن رشد جمعیتی شد که هم دولتمردان را با مشکلات عدیده مواجه ساخت هم جوانان را. اینک آن‌ها تلاش می‌کنند با داشتن فرزند کمتر، امکانات بهتری را برایشان مهیا سازند.

۴. محدودیت این مطالعه، ماهیت مقطعی بودن آن است. در مطالعات مقطعی کمتر می‌توان با قطعیت رابطه علت و معلولی بین متغیر وابسته و مستقل را نشان داد (گرچه اساساً در علوم انسانی برقراری رابطه علت و معلولی وجود ندارد و بحث بر سر میزان

احتمال است)؛ از این رو مطالعات طولی برای تأیید یا بررسی نتایج پیشنهاد می‌شود.

پیشنهادها

با توجه به اینکه تأخیر در ازدواج عامل مهمی در فرزندآوری است، توصیه می‌شود همه امکانات برای تسهیل ازدواج به کار گرفته شود برای مثال:

■ بالابردن میزان وام ازدواج و تسریع در آن؛

■ امتیاز قائل شدن برای افراد متأهل به شکل‌های مختلف؛

■ ایجاد نگرش مثبت به ازدواج در جوانان از راه‌های مختلف.

با توجه به اینکه اشتغال زنان مانع مهمی در فرزندآوری است، پیشنهاد می‌شود همه

امکانات برای رفاه حال زنان شاغل به کار گرفته شود برای مثال:

■ دورکاری؛

■ کار نیمه‌وقت با حقوق کامل؛

■ مرخصی زایمان طولانی‌تر؛

■ دادن کمک‌هزینه مهدکودک یا ایجاد مهدکودک رایگان؛

■ پوشش بیمه خدمات درمانی برای مادر و کودک.

از آنجاکه فردگرایی سهم بالایی در کاهش فرزندآوری دارد، توصیه می‌شود در این

زمینه کار فرهنگی صورت گیرد.

کتابنامه

- ارجمند سیاه‌پوش، اسحق؛ برومند، ناهید (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک با تأکید بر سبک زندگی (مطالعه موردی زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، دوره ۶، شماره ۲۱، ازکیا، مصطفی (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- اسدیپور، عهدیه؛ انتظاری، علی؛ احمدی‌اهنک، کاظم (۱۳۹۷)، «مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان آمل)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۹، شماره پیاپی (۷۱)، شماره سوم، پاییز.
- اعظم‌آزاده، منصوره؛ آرامی، سعیده (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه جامعه‌پذیری جنسیتی و رفتار در دوره‌های اجتماعی»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، سال ۱۴، شماره ۱، بهار.
- آفرینی، فاطمه؛ اکبری، ناهید؛ منتظری، علی (۱۳۹۷)، «ارتباط بین حمایت اجتماعی و قصد فرزندآوری در زنان ساکن شهر تهران»، *نشریه پایش*، سال ۱۷، شماره ۳، تیرماه.
- ترکیان و لاشانی صاحب‌جانی؛ زمانی علویجه، فرشته؛ حیدری، زهرا، شوشتری‌مقدم، زهرا (۱۳۹۸)، «فرزندآوری: عوامل سوق‌دهنده و بازدارنده»، *نشریه پایش*، سال ۱۸، شماره ۳، تیرماه.
- حاجیان، بهجت؛ مکتوبیان، مریم (۱۳۹۴)، «تجربه زیسته زنان از فرزندآوری»، *فصلنامه جمعیت*، سال ۲۲، شماره ۹۲، تابستان.
- حسینی، حاتم؛ بگی، بلال (۱۳۹۳)، «تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی - درمانی همدان»، *ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، سال ۱۸، شماره ۱، بهار.
- حمیدی‌فر، مهدی؛ کنعانی، محمدامین؛ عبادالهی چندانق، حمید (۱۳۹۵)، «جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱۱، شماره ۲۱، تابستان.
- خانی، سعید؛ محمدزاده، حسین؛ عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۹۷)، «مقایسه میان‌نسلی

- ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۹، شماره ۲.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده؛ سرایی، حسن (۱۳۹۵)، «واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۸ (۷۱)، بهار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: اصول و مبانی*، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد اول.
- شمس‌الدینی، حسین (۱۳۹۴)، «بررسی نگرش به فرزندآوری با تأکید بر مؤلفه‌های سبک زندگی در بین زنان مراجعه‌کننده به شبکه‌های بهداشت شهر تهران»، *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- صادقی، حنا؛ سرایی، حسن (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ۵، شماره ۲۷.
- عنایت، حلیمه؛ پرنیان، لیلا (۱۳۹۲)، «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، سال ۴، شماره ۲، تابستان.
- فطرس، محمدحسن؛ نجمی، مریم؛ معمارزاده، عباس (۱۳۹۶)، «تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری در ایران»، *زن در توسعه و سیاست*، سال ۱۵، شماره ۳، پاییز.
- قاسمی اردهایی، علی؛ منافی‌آذر، رضا؛ محمودیانی، سراج‌الدین (۱۳۹۷)، «عوامل اجتماعی مؤثر در تعداد فرزندان متأهل شهرستان اهر»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، سال ۲۱، شماره ۸۱، پاییز.
- قائد رحمتی، صفر؛ حسینی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۱)، «تحلیل رابطه بین شاخص‌های بهداشتی و آموزشی با سطح باروری در استان‌های کشور»، *رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۴۵)، تابستان.
- کشاورز، حمید؛ حقیقتیان، منصور؛ توسلی دینانی، خدیجه (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر فاصله بین ازدواج و فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰-۴۹ ساله شهر اصفهان)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴ (۲۹)، تابستان.
- کلاتری، محمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ امین مظفری، فاروق؛ راکعی بناب، ندا (۱۳۸۹)، «بررسی

- جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان متأهل شهر تبریز)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره ۱، بهار. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مبارکی، سیمین (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر انتخاب عقلانی بر شادمانی اجتماعی (مورد مطالعه شهروندان شهر تهران)»، *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- مرتضوی، مهناز؛ حسینیان، سیمین؛ رسولی، رویا؛ زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۸)، «تجربه زیسته نوجوانان تک‌فرزند از تعامل با والدین»، *خانواده‌پژوهی*، سال ۱۵، شماره ۵۸، تابستان.
- مشفق، محمود؛ مرادی‌ثانی، قدرت؛ حسین‌خانی، سحر (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور»، *فصلنامه جمعیت*، سال ۲۳، شماره ۹۶، تابستان.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۹)، *طرح و پایان‌نامه‌نویسی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- وحیدنیا، نرگس (۱۳۹۵)، «نقش روابط پیش از ازدواج در خیانت زناشویی»، *سلامت اجتماعی*، سال ۳، شماره ۴، پاییز.
- Celia Chan, Timothy, Chan. Lris (2016), "Perceived importance of childbearing and attitudes toward assisted reproductive technology among Chinese lesbians in Hong Kong: implications for psychological well-being", *Public health information*, 106 (5).
- Francesca, Luppi. Mencarini, Mencarini (2018), "Parents' subjective well-being after their first child and declining fertility expectations", *Demographic Research*, 9 (39).
- Norville, Claire. Gomez Rocio., L. Brown, Robert (2016), "Some causes of fertility rates movements", *merican Enterprise Institute Washington Times*, 7 (13).